

بازخوانی

«فرهنگ عاشورا»

محمد صحتی سردوردی



فرهنگ عاشورا، جواد محدثی، قم: نشر معروف، چاپ اول،

۱۳۷۴ ش، ۵۱۲ ص، وزیری.

آموزه های انقلابی و رزمی، تشکیل داده است. نویسنده خود در شناسه فرهنگ عاشورا می نویسد: «مقصود، مجموعه مفاهیم، سخنان، اهداف و انگیزه ها، شیوه های عمل، روحیات و اخلاقیات والایی است که در نهضت کربلا گفته شده یا به آن ها عمل شده یا در حوادث آن نهضت، تجسم یافته است.» (ص ۳۴۴) در نهایت نیز می نویسد: «فرهنگ عاشورا، خط ولایت و برائت است.» (۳۴۵).

نویسنده از میان قرائت های مختلف عاشورا به «قرائت انقلابی حکومتی» آن معتقد است، و فاجعه عاشورا را که با باور ما «فرار از بیعت» و «اعتراض بر حکومت» بود، «انقلاب خونین» و «جهاد ابتدایی» می داند، (ص ۹۷) و با اصل مسلم انگاشتن شعریا شعاری که می گوید: «کل یوم عاشورا و کل ارض کربلا» بر استمرار و تداوم عاشورا تأکید می کند (ص ۳۷). هر روز را عاشورا و همه جا را کربلا می خواهد و هر از گاهی با اندک مناسبتی بر این معنا و مفهوم، با تکرار آن شعار (کل یوم عاشورا و ...) اصرار می ورزد (ص ۵۰، ۱۷۳، ۲۸۷، ۳۶۷، ۴۶۹، ۴۷۱). شگفت این که افراط در این اصرار،

استاد جواد محدثی که از نویسندگان بنام و از شاعران مشهور و موفق است، با نوشتن این فرهنگواره طرحی نو در انداخته است. «هدف از تدوین این فرهنگنامه، آن بوده که یک مجموعه یک جلدی، فشرده، دم دست و کاربردی، حاوی لازم ترین دانستنی ها پیرامون موضوعاتی که به آن نهضت جاوید مربوط می شود، ارائه گردد. از این رو مدخل های کتاب که به ترتیب القیاس، اشخاص، گروه ها، جاها، کتاب ها، اصطلاحات، سنت ها، شعایر، تعالیم مکتبی و محورهای دیگر را که به نحوی در ارتباط با فرهنگ عاشورا است، شامل می شود.» (ص ۱۶).

از این جا به وضوح پیداست که منظور از فرهنگ در «فرهنگ عاشورا» فرهنگ مردم (فلوکلور) نبوده است و اگر پیرامون آئین ها و آداب و رسوم نیز مدخل هایی باز شده است، در رتبه پسینی این پژوهش قرار گرفته است؛ زیرا اصل و اساس کار را در این تألیف، تبیین «تعالیم مکتبی» و ترویج مفاهیم و

ناخواسته نویسنده را گاهی حتّی تا مرز تبلیغ و ترویج خون و خشونت نیز می‌کشاند تا آن‌جا که از تشیع - صد البته ناخواسته - تعریفی کاملاً زیدی و وحشتناک ارائه می‌شود و این تحریف، وقتی به وضوح دیده می‌شود که نویسنده محترم، شعری از شاعر و مدّاحی معاصر به تکرار و تأیید نقل می‌کند:

شیعه باید آب‌ها را گل کند

خطّ سوم را به خون کامل کند

شیعه یعنی تشنه جام بلا

شیعگی یعنی قیام کربلا

شیعه یعنی هفت وادی اضطراب

شیعه یعنی تشنگی در شطّ آب

این سخن کوتاه کردم و السلام

شیعه یعنی تیغ بیرون از نیام^۱

تردید نیست که این تعریف از تشیع، نادرست است و برداشتی که خواننده کتاب با این تعریف از «شیعه امام حسین (ع)» خواهد داشت، وحشتناک و با خون و خشونت خواهد بود. و برای آنان که با ادبیات معاصر آشنایی دارند، به روشنی معلوم است که اشعار گفته شده به ویژه مصرع اول (شیعه باید آبها را گل کند) در مقابله و معارضه با سخنی سبزه و انسانی از سهراب سپهری کاشانی است که «لطف سخن» سهراب و قبول خاطرش، پرآوازه و محسود معاصران است، آن‌جا که می‌گوید و انصاف را که روح انسان را می‌نوازد و نیک می‌سراید: «آب را گل نکنیم / در فرودست انگار، کفتری می‌خورد آب / یا که در بیشه دور، سیره‌ای پر می‌شوید / یا در آبادی، کوزه‌ای پر می‌گردد / آب را گل نکنیم / شاید این آب روان، می‌رود پای سپیداری، تا فرو شوید / اندوه دلی / دست درویشی شاید، نان خشکیده فرو برده در آب / زن زیبایی آمد لب رود / آب را گل نکنیم / روی زیبا دو برابر شده است / چه گوارا این آب / چه زلال این رود / ... / ... / آب را گل نکنیم.»^۲

افزون بر آنچه گفته شد، برخی موارد تأمل برانگیز نیز در کتاب فرهنگ عاشورا دیده می‌شود که یادآوری می‌گردد.

۱. بعضی از انگاره‌ها و شعارهایی که در انقلاب و جنگ ساخته شد، در این کتاب به نام عاشورا و گاه از زبان حال یا مقال امام حسین (ع) تلقی و تبلیغ شده است و برخی از مدخل‌ها نیز در همین راستا نوشته شده است؛ مثل «بی وفایی»؛ «جهاد»؛ «حج ناتمام»؛ «خون»؛ «درس‌های عاشورا»؛ «إِنَّ الْحَيَاةَ عَقِيدَةٌ وَجِهَادٌ»؛ «شهادت طلبی»؛ «عاشورا و انقلاب اسلامی»؛

«فتح»؛ «کلّ یوم عاشورا»؛ «کوفیان»؛ «هر که دارد هوس کرب و بلا بسم الله»؛ «هل من ناصر»؛ «یا فتح یا شهادت»؛ «یالثرات الحسین» و «یوم الله». البته همین معنا را اگر از منظری دیگر نگاه کنیم و فرهنگ سازی برای عاشورا را از این طریق، مجاز بدانیم، نه تنها اشکالی نخواهد بود، که در این صورت همین نکته را از نکات قوت و مثبت کتاب خواهیم دانست.

۲. نقل تاریخ از منتخب طریحی و مقتل منسوب به ابی مخنف، آن هم به واسطه کتابی با نام «عاشورا فی الادب العاملی المعاصر»، صحیح و دقیق نیست (ص ۲).

۳. آمارها، دقیق و مستند نیست؛ زیرا از منابع و مآخذ معتبری گرفته نشده است. بیش تر به کتاب «زندگانی ابا عبدالله الحسین» از عمادزاده و کتاب «وسيلة الدارین» از سید ابراهیم موسوی، اعتماد شده است که هیچ یک در خور اعتماد و استناد نیست (ص ۳۴-۳۱).

۴. شعری که با مطلع «امرر علی جدث الحسین وقل لاعظمه الزکیه» است، سروده ابوهارون مکفوف نیست، بلکه از سید حمیری است^۳ (ص ۳۸).

۵. شهرت کوفیان به بی وفایی و مَثَل «الکوفی لا یوفی» بیش تر از آنچه به واقعیت‌های تاریخی برگردد، ناشی از تبلیغات بنی امیه و شامیان است (ص ۸۴؛ ص ۲۷۹-۲۷۷).

۶. موضوع مصادره کاروان تجارتمیمن که قیام امام حسین (ع) را تا حدّ راهزنی و گردنه گیری، تنزل می‌دهد، اتهام بی اساسی بیش نیست که نخست از طریق روایان درباری بنی امیه ساخته شده و سپس در تاریخ‌هایی که علمای عامّه ترتیب داده‌اند، نوشته شده است تا پس از رواج آن بالاخره به کتاب‌های ما نیز راه یافته است و صد البته نه به کتاب‌های مستند و معتبر که به کتاب‌های متأخر و غیر مستند راه یافته است تا در نهایت نیز جزئی از فرهنگ عاشورا خوانده شده است (ص ۹۳).^۴

۱. فرهنگ عاشورا، ص ۲۶۴، زیر مدخل شیعه امام حسین (ع)؛ نیز، همان، ص ۳۷۲، ذیل مدخل «کلّ یوم عاشورا».

۲. سهراب سپهری، هشت کتاب، ص ۳۴۵-۳۴۷.

۳. دیوان السید الحمیری، ص ۱۸-۱۷۹. نویسنده نیز خود در جایی از همین کتاب آن را از زبان سید حمیری نقل کرده است. ر. ک: فرهنگ عاشورا، ص ۲۳۵.

۴. در این مورد ما در کتاب «تحریف‌شناسی تاریخ امام حسین (ع)»، ص ۱۷۰-۱۶۵ با تفصیل و توضیح سخن گفته‌ایم، و شیخ مفید همین قضیه ملاقات کاروان امام حسین (ع) با کاروانی از یمن را نقل کرده

۷ . داستان تیر سه شعبه و این که بر سینه نشیند و از پشت سر درآورده شود، افزون بر این که به کتاب مستندی ارجاع داده نشده است، معقول و ممکن نیز نمی نماید (ص ۱۲۳).

۸ . ترجمه «ثار الله» به «خون خدا» دقیق و درست به نظر نمی رسد (ص ۱۲۴).

۹ . چراغانی، آراستن و آذین بستن شهر کوفه و دمشق، هنگام ورود اهل بیت امام حسین (ع) به آن دو شهر، جای تأمل و تحقیق است؛ به خصوص درباره شهر کوفه، بسیار بعید است و صحیح آن است که اهل کوفه، نه شادمانی می کردند و نه جشن گرفته بودند، بلکه با صدای بلند گریه می کردند که حضرت زینب نیز در خطبه خویش به آن تصریح می کند (ص ۱۳۶).

۱۰ . داستان سر به محمل کوبیدن زینب کبری، قصه ای بیش نیست که نخست در ذور العین اسفراینی نوشته شده و سپس طریحی از او، و مجلسی نیز از طریحی گرفته و استاد محدثی هم از مجلسی نقل کرده است و عجیب این که چندین بار نیز تکرار کرده است (ص ۱۳۷؛ ۲۲۲؛ ۳۶۷؛ ۲۱۷) و این کار افزون بر این که هرگز با اسوه صبر و استقامت، حضرت زینب نمی سازد، بر خلاف آن توصیه ای نیز است که امام حسین (ع) بر آن تأکید می ورزید و به اهل بیت (ع) می گفت: **أَنْظُرُوا إِذَا أَنَا قُتِلْتُ فَلَا تُشَقِّقَنَّ عَلَيَّ جَبِيًّا وَلَا تَخْمِشَنَّ وَجْهًا**. و استاد محدثی نیز در جایی از فرهنگ عاشورا همین سخن را از امام حسین (ع) نقل کرده است. ۵

۱۱ . این که گفته می شود امام حسین (ع) حج خود را ناکام گذاشت و یا به عمره مفرده تبدیل کرد، درست نیست (ص ۱۴۳، زیر مدخل «حج ناتمام»^{۱۱}) بلکه دقیق و درست همان است که در کتاب های حدیثی-فقهی، روایت های آن نقل می گردد و همگی حاکی از آن است که امام حسین (ع) از ابتدا احرام عمره بسته بود و در همان حدیثی هم که مؤلف فرهنگ به نقل از وسائل الشیعه آورده است، به صراحت از معتمر بودن امام حسین (ع) سخن گفته شده است: «كان معتمراً» (ص ۱۴۳).

۱۲ . ذوالجناح نامیدن اسب امام حسین (ع) و یا «جواد» خواندن آن، جای بحث و بررسی است. اسم اوگ و مشهور، در منابع و کتاب های اولیه دیده نمی شود و دومی نیز (جواد) عنوانی عام است، نه نامی خاص. (ص ۱۸۰).

۱۳ . شاه زنان به شهریانو ارجاع داده شده است؛ اما در متن کتاب از مدخلی به عنوان شهریانو خبری نیست (ص ۲۴).

۱۴ . بدون این که سند یا مدرکی ارائه داده شود، فقط به این

علت که «معروف است» نوشته شده که شریح قاضی، فتوا به قتل حسین بن علی (ع) داد (ص ۲۴۶). در این که شریح قاضی در کتاب های رجالی شیعه، مذمت شده است و همچنین در این که به پشت بام دارالاماره کوفه رفت و حامیان هانی بن عروه را متفرق ساخت و با این کار خدمت بزرگی به ابن زیاد نمود، تردیدی نیست؛ اما این که فتوا به قتل حسین (ع) داد، هرگز سند و مدرکی دیده نشده است. ما در این مورد به صورت مفصل و مستوفی تحقیق کرده^۶ و به این نتیجه رسیده ایم که داستان فتوای شریح از اواخر دوره قاجار به این طرف، ساخته و پرداخته شده است. پیش از آن حتی در کتاب های نامعتبر و دست چنم نیز دیده نشده است. برخی نیز به ساختگی بودن این داستان، تصریح یا اشارتی کرده اند.^۷

۱۵ . برخی از مطالبی که درباره شمر آورده شده است، جای تردید است و در مدخل (شمر بن ذی الجوشن)، ضعف سند، بسیار دیده می شود (ص ۲۵۶).

۱۶ . کتابنامه ای که زیر همین عنوان (کتابنامه عاشورا) تنظیم شده است، بسیار نارسا و ناکارآمد است؛ مثل این که بدون تحقیق و با عجله، فقط کتاب ها و جزوه هایی را که

> است؛ بدون این که حتی اشارتی به مصادره کاروان کرده باشد. ر. ک: الارشاد، ج ۲، ص ۶۸. مرحوم سید محمد مهدی بحر العلوم نیز داستان مصادره را «از اکاذیب و باطیل» می داند و اقدام به آن را در چنان شرایطی «شنیع» می شمارد. ر. ک: رجال السید بحر العلوم، ج ۴، ص ۴۸. افزون بر همه اینها این کار، با سیره امام علی (ع) هم در تعارض است که اموال مخالفانش را حتی در میدان جنگ و مقاتله نیز مصادره نمی کرد تا آن جا که برخی در مقام اعتراض گفتند: **أَنْحَلُّ لَنَا دِمَاؤَهُمْ وَلَا نَحِلُّ أَمْوَالَهُمْ؟** ر. ک: جلوه تاریخ در شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۱، ص ۱۲؛ تاریخ الطبری، ج ۵، ص ۱۰؛ **أَبْدَأَ حَسِينٌ: شَرْعِيَّةُ الْخُرُوجِ عَلَيَّ حَكْمَ الْجَوْرِ**، شریف راشد الصدقی، ص ۴۵۰.

۵ . فرهنگ عاشورا، ص ۲۶۸ به نقل از لهوف، ص ۸.

۶ . ر. ک: تحریف شناسی عاشورا، از نگارنده که در دست انتشار است.

۷ . قاضی طباطبایی، تحقیق درباره اولاد اربعین...، ص ۶۴-۶۱؛ رضوی اردکانی، ماهیت قیام مختار، ص ۳۹۴؛ حسین عبداللیب، ثار الله: خون حسین (ع) در گهای اسلام، ص ۱۲۶، مقاله «شایعه فتوای شریح»، اکبر نبوت، «در حاشیه یک کشف عظیم تاریخی»، روزنامه سیاست امروز، ص ۳، ۷۸/۱/۸.

را در میان عاشوراپژوهان، باز یافته و چندین بار منتشر شده است؛ به علاوه آن که خلاصه اش نیز با نام فرهنگنامه عاشورا و هم چنین ترجمه اش به زبان عربی هم با عنوان «موسوعة عاشورا» در بیروت و ایران و... انتشار یافته است و کتابی که چنین شرایط ممتازی را داراست، بازخوانی و نقد آن نه تنها مشکلی را به پیش نمی کشد که نظرها را بیش تر از پیش معطوف آن می سازد. و بالاخره از آن جا که کتاب مورد بحث، بسیار پربار بوده و در عین این که کتابی «تحریف ساز» شمرده می شود، به صفت «تحریف ستیزی» هم وصف می گردد و نویسنده ادیب و فرزانه آن در تطهیر و تهذیب فرهنگ عاشورا نیز کوشیده است که در این جا نمایه ای از مقاله هایی را که با تحقیق و تهذیب نوشته شده اند، ارائه می کنیم:

۱. آداب وعظ و منبر (۲۴)؛ ۲. تحریف های عاشورا (ص ۱۰۶-۱۰۴)؛ ۳. روضه (ص ۱۹۰-۱۸۹)؛ ۴. زبان حال (۱۹۴)؛ ۵. شفاعت (ص ۲۵۳)؛ ۶. عروسی قاسم (۳۱۰)؛ ۷. مداخل و مرانی (۴۱۴).

متأسفانه در این موارد اندک هم که ارجاع داده شد، به تحریف های عاشورا به اختصار و بسیار کم رنگ پرداخته شده است، مثل این که مخاطب مؤلف در این کتاب فقط مداحان و مرثیه خوانان بوده است. در گزینش مدخل ها نیز دقت لازم دیده نمی شود؛ از باب مثال در دو جا از روضه الشهدای کاشفی (روضه الشهدا و کاشفی) بحث شده و با دو مدخل، کتاب کاشفی به خوانندگان معرفی و عرضه شده است. اما هرگز برای کتاب «لؤلؤ و مرجان» و محدث نوری و یا حماسه حسینی و فریادهای شهید مطهری در مبارزه با تحریفات عاشورا و یا برای کارها و آثار سید محسن امین عاملی مانند کتاب های «التزیه لاعمال الشبیه»، «لواعج الاشجان» و «المجالس السنیه»، مدخلی گشوده نشده و این همه نادیده گرفته شده است.

بعضی از مدخل ها را که اصولاً نمی توان در فرهنگ عاشورا گنجانید، آورده شده مثل «اربعین خونین» مربوط به تاریخ معاصر عراق؛ «واقعه حره»؛ «بصره»؛ «بین النهرین»؛ «چراغانی»؛ «خنجر و حنجر» و در ذیل آن فقط همین نوشته شده است که این دو واژه دارای جناس است و در شعر مرثیه سرایان کاربرد دارد. در حالی که اگر معیار در گزینش مدخل ها همان باشد که گفته

نویسنده دم دست داشته است، آورده باشد که در میان آن ها کتاب هایی چون اسرار الشهادة، الشهید و الثورة، خون خدا، سوگنامه آل محمد، ناسخ التواریخ، منهاج الدموع، الوقایع والحوادث و مطلع الشمس [مقتل الشمس] هم دیده می شوند. در حالی که فهرست منابع کتاب، بسیار غنی می نماید در این جا (زیر مدخل کتابنامه عاشورا) در حدود پنجاه کتاب، شناسایی شده است (۳۶۴-۳۶۲).

۱۷. در ذیل عنوان «کمیت بن زید اسدی» به کتابی ارجاع داده شده است با نام «کمیت بن زیاد، شاعر العقیده» که نام درست کتاب «کمیت اسدی، حدیث حریت» است (ص ۳۷۴ پاورقی). البته «شاعر العقیده» نیز نام کتاب دیگری است که نه درباره کمیت اسدی که درباره سید حمیری نوشته شده است.

۱۸. کهیصص (ص ۳۷۹).
۱۹. وهب بن عبدالله کلیبی (ص ۴۶۵).
۲۰. هل من ناصر (ص ۴۷۰، نیز ۲۴۹). در هر سه مورد، ما به تفصیل سخن گفته ایم که در این جا نیازی به تکرار نیست.^۸
۲۱. «یوم الله» خواندن عاشورا نیز به نظر صحیح نمی نماید و نویسنده فرهنگ هم به تنها حدیثی که استناد کرده است، از طریق مخالفان نقل شده که آن ها در تعظیم و تجلیل روز عاشورا فراوان روایت و حدیث دارند (ص ۴۸۶).^۹

صفحات درخشان در فرهنگ عاشورا

از باب این که گفته اند: «عیب می جمله بگفتی هنرش نیز بگو» باید گفت: صفحات درخشان در فرهنگ عاشورا بسیار بیش تر از آن است که در یک مقال بگنجد، و ما نیز به همین دلیل آن را برای نقد و بررسی برگزیدیم که دیدیم ارزش بازخوانی و بررسی را دارد و گرنه پیش یا پس از آن کتاب های فراوانی منتشر شده اند که می شد یکی از آن ها را برگزید و بررسی کرد. اما به چند دلیل فرهنگ عاشورا را برگزیدیم که به بعضی اشاراتی می رود:

نخست این که استاد محدثی، دانشور بزرگواری است که از انتقاد، استقبال می کند و حرف حق را اگر چه از شاگرد کوچکش باشد، می پذیرد و هر انتقادی را که وارد باشد در تکمیل کارش به کار می گیرد. دیگر این که کتاب فرهنگ عاشورا جایگاه خود

۸. ر. ک: مقاله «کتابشناسی توصیفی-انتقادی پیرامون تحریف های عاشورا»، در همین ویژه نامه از آینه پژوهش.
۹. هم چنین است مدخل های «ساربان»؛ «شیر کربلا» و «عقاب».

شد، به طریق اولی برای واژگانی چون «سنان و سنان و سه نان» (اولی از قتل و دومی نیزه و سومی مأخوذ از حدیث کسا و سوره هل اتی) می بایست مدخل هایی باز می شد؛ «زندگی»؛ «فتح»؛ «گل باغ حسین»؛ «لعبت هاشم بالملک»؛ «معاویه».

از طرفی دیگر ده ها واژگان کلیدی در فرهنگ عاشورا متداول است و هر یک کاربردی بسیار دارد که در این کتاب از آن ها خبری نیست. در این جا برخی از آن ها را می آوریم به امید این که استاد بزرگوار را در تکمیل فرهنگ عاشورا به کار آید: آتشکده نیر؛ آداب روز عاشورا؛ آل علی؛ آمنت بالحسین، قصیده ای پرآوازه از جواهری شاعر بزرگ معاصر عرب، ابوالاسود دثلی؛ ابوعماره مُشند؛ اثنا عشریات، منظومه معروف سید بحر العلوم درباره عاشورا؛ احیای شب عاشورا؛ ابوالاحرار؛ ابوالمساکین، کنیه دیگر امام حسین (ع) غیر از ابوعبدالله؛ ابو حمزه شمالی از نخستین زائران کربلا و پدر سه شهید؛ ابوالضیم؛ ابوالقربه، کنیه دیگر ابوالفضل؛ اخلاص؛ استبداد مذهبی؛ استدراج؛ اسطوره سازی؛ افسانه های عاشورایی؛ افضل الجهاد (افضل الجهاد کلمه حق عند امام جائر)؛ امثال و حکم عاشورا؛ ام حبیبه، ام المصائب؛ انجیل اهل بیت: صحیفه سجادیه؛ انور اردبیلی؛ بلاغه الحسین (ع)، عنوان چند کتاب درباره سخنان امام حسین (ع)؛ بیمه حضرت ابوالفضل؛ پیام آوران عاشورا؛ پیشوای شهیدان؛ تخمیس قصیده ابو تمام طائی؛ تخمیس مقصوده ابن درید؛ تولد امام حسین (ع)؛ جودی خراسانی؛ جوهری، حسن بن علی (ع) خرافات؛ خط خون؛ خوشدل تهرانی، داستان نویسی و عاشورا؛ دخیل، مولانا دخیل مراغه ای؛ داستان های ساختگی؛ دعای توسل؛ دعای عرفه؛ دعای ندبه؛ دفاع؛ دلریش، علی اصغر، از شاعران مرثیه سرا؛ ذبیح عظیم؛ ذبیح الله؛ ذوی القریب؛ راه شام؛ رؤیاهایی که روایت شده اند؛ روایت های عاشورا؛ روزهای زیارتی امام حسین (ع)؛ روز واقعه؛ روضه الاسرار؛ زرو زور و تزویر؛ زیارت از راه دور؛ زیارت روز عرفه، زیارت نیمه شعبان؛ سدیف، شاعر کربلا؛ سفیان عبدی، سلطان قیس، از داستان های عاشورایی، سوم امام؛ سوم شعبان؛ صحیفه الحسین (ع)؛ صافی تبریزی، شاعر عاشورایی؛ صحیفه سجادیه؛ طلقاء؛ «بابن الطلقاء»؛ طوریج؛ عشرخوانی؛ عصر عاشورا؛ عاشورا و عرفان؛ عبادت؛ عبدالله بن عمر؛ عطرافشانی، از آداب عزاداری، علم بندان؛ عمان سامانی؛ گنجینه الاسرار؛ غسل شهادت؛ فرغانی، سیف؛ فضولی

بغدادی؛ فؤاد کرمانی؛ فقه و عاشورا؛ قآنی شیرازی؛ قائم آل محمد (ص)؛ قسم حضرت عباس، قفل بستن؛ قضا و قدر؛ قمری دربندی؛ کاه ریختن؛ کفن پوشی؛ گل مالیدن؛ لامیه سید رضی و...؛ لؤلؤ و مرجان؛ مباحله؛ مجلس ابن زیاد؛ مجلس ولید؛ مجلس یزید؛ محراب؛ محسن بن الحسین (ع)؛ مزارخوانی؛ مستزاد یغما جندقی؛ ملحه الطف؛ منزوی اردبیلی؛ مخالف خوان؛ موافق خوان؛ موسیقی و عاشورا؛ مصرع الحسین؛ مقبل اصفهانی؛ ناظم البکاء؛ ندبه؛ نقاشی و عاشورا؛ نونیه ابن زیدون؛ «وسیعلم الذین ظلموا ای متقلب ینقلبون»؛ هاتف، هاتفانه ها؛ هاشمیات کمیت اسدی؛ یغمای جندقی؛ یا مظلوم و اما درخشان ترین صفحات در کتاب فرهنگ عاشورا بیشتر وقتی دیده می شود که نویسنده شاعر و نکته پرداز آن می خواهد شعرهایی را از خود یا شاعران دیگر، نقل کند. از آن جا که استاد محدثی خود شاعری فرهیخته و سخن شناس است، اشعار ماندگار و ابیات پرسوز و حال فراوانی را برگزیده و در فرهنگ عاشورا آورده است؛ از جمله این شعر:

سرئی در نیوا می ماند اگر زینب نبود
 کربلا در کربلا می ماند اگر زینب نبود
 چهره سرخ حقیقت بعد از آن طوفان رنگ
 پشت ابری از ریای می ماند اگر زینب نبود

و شعرهای دیگر^{۱۰} و ابیات پراکنده ای که از نعمت میرزازاده، متخصص به «آزرم» آورده شده است بی آن که از شاعر نامی برده شود! مانند آن که در ذیل عنوان آزادی آمده است:^{۱۱}

اکنون که دیده هیچ نبیند به غیر ظلم
 باید زجان گذشت، کزین زندگی چه سود
 بر ما گمان بندگی زور برده اندای
 مرگ همتی که نخواهیم این قیود...
 دردا که از قیام تو، این قوم بی تمیز
 نشناختند ایده جانباخت چه بود^{۱۲}

۱۰. ر. ک: فرهنگ عاشورا، ص ۲۱۷؛ ۲۰۱؛ ۲۵۰؛ ۲۹۵؛ ۴۰۰-۳۹۹.
 ۱۱. همان، ص ۲۶.
 ۱۲. ر. ک: م. آزرم، ليله القدر، ص ۱۱۴.